

## بِسْمِ رَبِّنَا الْأَقْدَسِ الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْأَبْهِيِّ

حمد محبوب امکان و مقصود عالمیان را لایق و سزا است که اولیای خود را مؤید فرمود بر نصرت امر و اعلاى کلمه و موفق فرمود بر اجراء اوامر و احکام که سبب نظم عالم و حفظ امم است ایشانند ایادی امر و حروف کتاب بایشان قدرت و غلبه در عالم ملک ظاهر شد و باهر گشت ایشانند انجم سماء ظهور و اعلام نصر من لدى الله مالک التّشور بهم امطرت السّماء و اشرفت الشمس و انارت الآفاق

دستخط آن حضرت فی الحقیقه کتابی بود که عشاق جمال بیمثال را جذب مینمود چه معطر بذكر محبوب عالم و منور بشمس اسم مبارکش بود علم الله نرجس و نسترن را این عرف نباشد و كذلك عنبر و یاسمن را بعد استشمام آن و اطلاع بما فيه بأسمان آسمانها توجه نموده مراتب عرض شد هذا ما نطق به لسان القدم جلّ جلاله

یا اسد عليك بهاء الله الفرد الأحد الحمد لله بذكر حقّ مشغولی و بخدمت امر قائم بگو ای عباد امروز روز دیگر است لسان دیگر باید تا قابل ثنای محبوب عالم شود و عمل دیگر باید تا مقبول درگاه گردد جمیع عالم طالب این یوم بودند که شاید موفق شوند بآنچه لایق و سزاوار است طوبی از برای نفسی که امورات دنیا او را از مالک الوری منع ننمود غفلت ناس بمقامی رسیده که از خسف مدینه و نسف جبل و شقّ ارض آگاه نشده و نمیشوند اشارات و علامات جمیع کتب ظاهر و در هر حین صیحه مرتفع مع ذلک جمیع از خمر غفلت مدهوشند الا من شاء الله هر روز ارض در بلاى جدیدی مشاهده میشود و آنآ فائاً در تزايد است از حین نزول سورة رئیس تا این یوم نه ارض بسکون فائز است و نه عباد باطمینان مزین گاهی مجادله گاهی محاربه گاهی امراض مزمنه مرض عالم بمقامی رسیده که نزدیک بیأس است چه طیب ممنوع و متطبّب مقبول و مشغول در این اطراف در بعض بلدان آثار خسف ظاهر امورات عجیبه ظاهر شده و میشود ولكن غافلین در حجاب مبین آیا تفکر نمی نمایند کجا است صدر اعظم ایران و عزّت و ثروت او کجا است قدرت و قوّت او غبار نفاق قلوب را اخذ نموده و ابصار را احاطه کرده سوف بیرون ما عملوا فی ایام الله کذلک ینبک الخبیر من لدن مقتدر قدیر انشاء الله بذكر حقّ و بثنای حقّ و خدمت امر حقّ لازال مؤید باشی بثنائی که آثار آن از آفاق عالم و آفاق قلوب امم ظاهر شود اولیای حقّ جلّ جلاله را باسم ابهی رحیق بقا بنوشان و کل را بذكر حقّ و عنایتش مسرور دار بگو جهد نمائید تا از ملکوت بیان بکلمهئی فائز گردید انتهی لله الحمد که کوب وصال در راه است بقول اهل پارس پی در پی میرسد از حقّ میطلبیم این کأس همیشه در دور باشد چه که بظلم حیب ممزوج است و باسم محبوب مشهور انشاء الله این نعمت را زوال اخذ نکند و ایادی معتدین تغییر ندهد هی خادم بنوشد و هی هنیئاً بشنود

دو دستخط آن جناب که بتاریخ ۹ ذیقعه و ۲۴ آن مرقوم بمثابه دو شمس بازغ بود از برای قلب فانی انشاء الله امثال آن شمس همیشه بازغ و طالع و مشرق و لائح باشد این عبد از حقّ سائل و آمل که در عرض جواب مؤید شود و تأخیر نرود چه در هر کره از اطراف میرسد آنچه که از اداء جواب آن عاجز است در جمیع احوال تأیید از حقّ جلّ جلاله است انه لهو المؤید القدیر

اینکه در باره جناب صاحب علیه بهاء الله مرقوم داشتند از قبل جواب آن در دو مکتوب عرض شد تا حال رسیده انشاء الله مؤید شوند بآنچه که اثر آن بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده ماند الحمد لله که آن جناب در جمیع احوال بحکمت مؤیدند اینکه ورود قم و معاشرت با دوستان حقّ جلّ جلاله را مرقوم داشتند این تفصیل عرض شد هذا ما نطق به لسان المقصود قوله عزّ اجلاله انشاء الله لازال بخدمت امر مشغول باشند و بهدایت غافلین موفق انتهی

و اینکه در باره جناب آقا محمد ابرهیم و همچنین ندافها علیهم بهاء الله و اشتعالشان مرقوم داشتند انشاءالله همیشه مشغول باشند طوبی لهم و لهم حسن مآب

و اینکه مرقوم فرمودند گاهی اگر نفسی بان اطراف توجه نماید محبوب است هذه کلمة یصدقها کلّ عالم خبیر و کلّ عارف حکیم لازال از لسان مبارک شنیده شد که باید نفوس چندی که باخلاق مزینند و بمقتضیات وقت و حکمت ناظر بان جهات توجه نمایند و روح حیوان مبذول دارند نسایم بیان رحمن باید همیشه در مرور باشد این فقره حسب الأمر لازم و واجب طوبی للعاملین

اینکه در باره جناب نائب علی اکبر بیک علیه بهاء الله مرقوم داشته بودید جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهاء الله در دو مراسله که باین فانی ارسال داشتند ذکر ایشان و مراتب محبت ایشان را نوشته بودند و هم چنین ذکر یک مرکوب را بتفصیل نوشته بودند ایشان در این امورات تا حال کمال ملاحظه را نموده‌اند و آنچه بایشان از هر کسی رسیده بساحت اقدس رسانده‌اند هذا ما شهد به الخادم علی قدره و مقامه و العلم عند الله العالم الخبیر

اینکه در دستخط دیگر ذکر احبّاء الله قم علیهم بهاء الله مرقوم بود بعینه همان فقرات مذکوره در ساحت امنع اقدس عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة قوله عزّ کبریائه

یا اسد علیک بهائی سکر غفلت عالم را احاطه نموده مبین لازم نفس دوستان حقیقی الهی بمثابه نسائم لطیفه ربیع است در هر بلاد که مرور نماید اشجار وجود را خرّم فرماید و باثمار بدیعه منیعه فائز کند ان احمد الله ربّک و ربّ من فی ملکوت الأمر و الخلق بما آیدک علی خدمه امره و عرفک ما کان مستوراً عن الأبصار الا من شاء الله جناب احمد و ابرهیم و ندافها علیهم بهاء الله و سایر دوستان آن ارض را تکبیر میرسانم انشاءالله بمقامی فائز شوند که سطوت غضب نفوس ظالمه ایشان را از مطلع نور احدیه منع نماید بگو ای دوستان امروز روز پرواز و روز ذکر و بیان است باید باسم حق بقوادم ایقان در هواء محبت رحمن طائر و سائر باشید نسائم رحمت در مرور است و کأس ریحق بایادی عطا امام وجوه موجود ان اشریوا منها باسم ربکم مالک الغیب و الشهود قدر این ایام را بدانید یکبار مرگ محتومست اگر در سبیل حق واقع شود احبّ بوده و خواهد بود اهل بها باید باخلاق حسنه مرضیه و آداب ملاء اعلی ظاهر باشند و بحکمت ناظر در این صورت آنچه وارد شود لعمر الله احسن است از حیوة عالم ای دوستان وقت را از دست مدهید بکمال وقار و تمکین به ما امرتم به فی الكتاب تمسک نمائید انه یسمع و یری و هو السّميع البصیر انتهى

و اینکه مرقوم داشتید که جناب آقا محمد ابرهیم علیه بهاء الله در آن ارض مشتعلند لوح امنع اقدس مخصوص ایشان از سماء عنایت نازل انشاءالله بان فائز شوند قوله عزّ کبریائه

هو السّامع المجیب

یا ابرهیم یدکرک الخلیل الّذی دعا کلّ الی الله ربّ العالمین انّ المظلوم سمع ذکرک و اشتعالک بنار محبّه الله ذکرک بهذا اللّوح المنیر انا دخلنا السّجن الأعظم و اظهرنا ما اراده الله العزیز الحکیم من النّاس من نبذ ما عند القوم و اقبل الی الأفق الأعلی و آمن بالفرد الخبیر و شرب کوثر حیوان من ایادی عطاء ربّه الرّحمن و منهم من اعرض و استکبر علی الله العزیز الحمید طوبی لعین رأت ینات ربّها و لسمع سمع آیاته الکبری و لسان نطق بذکره الجمیل خذ الكتاب بقوّة من عندنا علی شأن لا تمنعک حجبات العلماء و لا تخوفک شؤونات الظّالمین قل یا ملاء الأرض تالله قد فتح باب السّماء و اتی مالک الأسماء بسلطان عظیم و اراد ان یحیی الأرض بعد موتها اتقوا الله و لا تكونوا من الغافلین بظلمهم ناح الملاء الأعلی و ذرفت عیون المقرّین سوف تفتنی الدّنیاء و ما عند النّاس و ینی لک ما نزل فی هذا المقام الکریم انا نذکر احبّائی فی هناك الذّین تمسّکوا

بما امروا به فی الكتاب من لدن آمر حکیم قل لو یأتیکم احد بغیر ما اراده الله دعوه بنفسه متوکلین علی الله المقدر القدر یا احبائی انا نذکرکم لوجه الله لیبقی به اسمائکم فی لوحه الحفیظ کذلک نطق لسان المظلوم اذ کان بین ایدی المعرضین ان افرحوا فی ایام ربکم تالله قد ماج بحر الفضل و انار افق الظهور بشمس ذکری المقدس العزیز البدیع انتهى انشاءالله زیارت این لوح امنع اقدس فائز شوند بنورش منیر و بحرارتش مشتعل گردند بشأنی که آثار آن در ملاء اعلی ظاهر شود تا چه رسد باهل ارض ولکن در جمیع احوال باید بحکمت ناظر باشید که مباد نعیق مرتفع شود و ریح مستور ماند و مخصوص جناب آقا سید احمد و جنابان ندافها علیهم بهاء الله از قبل الواح منیعہ مقدسه نازل شده انشاءالله بآن فائز شوند و از بحر بیان رحمن بیاشامند و اینکه مرقوم فرمودند بارض جاسب توجه نموده احباب الهی را ملاقات فرمودند مکتوبی این خادم فانی در جواب مراسله جناب ملاء غلام رضا نوشته و در آن مکتوب یک لوح امنع اقدس از سماء مکرمت مخصوص جناب ایشان نازل و همچنین نفوس مذکوره در کتاب ایشان از برای هر یک لوح مبارک نازل تعالی تعالی فضل محبوبنا و عنایة مقصودنا و رحمته الّتی سبقت من فی الوجود اسم هر یک از دوستان که تلقاء وجه عرض شد حیاً میثاً نازل شد آنچه که شاهد و مدلّ و گواه است بر عنایت و شفقت و رحمت انشاءالله اهل بها بر مقامات خود مطلع شوند و حفظش نمایند لله عمل الذین اعترفوا بما نطق به لسان العظمة صدهزار طوبی از برای نفسی که بتبلیغ امر الله قیام نمود و از برای نفوسی که باصغا فائز شدند و بکمال ثبوت و رسوخ بر امر قیام نمودند يسأل الخادم ربّه بأن یوفّق من فی العالم و یعرفهم ما فات عنهم فی هذه الايام الّتی ما رأّت العیون شبهها و نظیرها و مثلها

و اینکه توجه بارض بادقان و ذکر جناب آقا میرزا محمود علیه بهاء الله و اشتعال ایشان را بنار محبته الله نموده بودید ذکر ایشان در مکتوب جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهاء الله بوده و این عبد این فقره را عرض نمود یک لوح امنع اقدس از سماء مرحمت مخصوص جناب ایشان و احبای آن ارض نازل نزد جناب مذکور ارسال شد که برسانند آن محبوب باید بشارت لوح مبارک را بایشان بدهند تا بتأییدات الهی بیشتر از پیش بخدمت امر مشغول باشند و مخصوص جناب آقا محمد ابرهیم علیه بهاء الله از اهل قم هم لوح امنع اقدس نازل نزد جناب حاجی میرزا ابوالحسن ارسال شد که برسانند چه که ایشان ذکر جناب مذکور را نموده بودند و چون آن محبوب هم ذکر نموده اند یک لوح اعزّ امنع مرّة اخری نازل و تفصیل آن عرض شد انشاءالله آن محبوب میرسانند جناب مذکور صاحب دو لوح شده اند انشاءالله این دو لوح دو جناح شود از برای پرواز ایشان در هواء محبت رحمن

و اینکه در باره نراق و احبای آن ارض مرقوم داشتید تلقاء وجه عرض شد و ذکر هر یک از انفس مذکوره از لسان مبارک جاری و فرمودند الحمد لله جناب اسد علیه بهائی فائز شدند بخدمت حقّ و ذکر و ثنایش امری که الیوم اهمّ است و لدی الله از رکن اعظم تبلیغ است و او بکمال روح و ریحان بآن مشغول است طوبی له و لمن یسمع منه ما انزله الله فی الكتاب احبای ارض ن و راء تحت لحاظ عنایت بوده اند انشاءالله موفق شوند بانچه سزاوار یوم الله و مؤید گردند بانچه سبب و علّت بقای ذکر است فرات جاری و بحر ظاهر طوبی للفائزین انتهى این خادم فانی خدمت ایشان تکبیر و ثنا معروض میدارد امید از فضل عمیم حقّ جلّ جلاله که جمیع را مؤید فرماید بر اتفاق و اتحاد و بر آنچه الیوم سبب ارتفاع امر الله است

و اینکه مرقوم داشتید در حین نوشتن جناب آقا میر علیه بهاء الله از اهل فتح آباد هم استدعا نمودند که ذکر ایشان بشود این فقره عرض شد هذا ما نطق به لسان المحبوب فی الجواب قوله عزّ کبریاة یا میر انشاءالله انوار یوم ظهور در کلّ حین شما را منور دارد و بذکر دوست یکتا مشغول مشاهده در ناس نما عالمی را که کل بفنایش مقررّ و معترفند او را معبود اخذ نموده اند و از معبود حقیقی و انوار آفتاب معنوی محبوب و ممنوع شده اند یا میر ندای این اسیر را بشنو انه یؤیدک و یقرّبک الی الله الفرد الخیر ذکر نفوس مستقیمه از قلم اعلی جاری و نازل انشاءالله به ما اراده الله متمسک شوند و از دوش فارغ و آزاد جمیع

دوستان آن ارض و دیار اخری را تکبیر میرسانم و بآنچه سبب علو و سموّ مقام انسان است وصیّت مینمایم طوبی للعاملین و ویل للغافلین البهَاء المشرق من افق ارادة ربکم الرحمن علیک و علیهم و علی کلّ صَبَّار شکور الحمد لله العطوف الغفور انتهى  
ذکر جناب حاجی محمّد رضا علیه بهاء الله از ارض صاد را مرقوم داشتند ذکرشان در ساحت من لا یعزب عن علمه من شیء عرض شد و این کلمات عالیات از سماء مشیّت منزل آیات مخصوص ایشان نازل انشاءالله بآن فائز شوند و از بحور معانی آن بیاشامند آشامیدنی که اثر آن در ملک باقی و پاینده ماند قوله تعالی

#### هو الشاهد السامع العليم الخبير

یا محمّد قبل رضا حمد کن محبوب عالم را که بعنایت اسم اعظم تو را تأیید نمود و بآنچه که الیوم اکثر اهل ارض از آن غافل و محجوبند هدایت فرمود سبیل الهی واضح و آیاتش نازل و بیناتش ظاهر معذلک کلّ غافلند الا من شاء الله قدر این ایام را بدان و بذکر و ثنای حقّ جلّ جلاله مشغول باش حشمت جباره و سطوت فراغت و شوکت اکاسره و ثروت قیاصره کل فانی و معدوم مشاهده شد و آنچه هم الیوم مشهود است البتّه بفنا راجع خواهد گشت سزاوار اینکه انسان متشبّث شود بامری که پاینده و باقی است ان احمد ربّک بما عرّفک مشرق وحیه و مطلع آیاته و مظهر نفسه و انزل لک ما لا تعادله ممالک الارض کلّها ان ربّک لهو الغفور الکریم ثمّ اسأله بأن یؤیّدک علی ما ینبغی لأیامه انه لهو السامع المجیب الحمد لله مالک هذا الیوم البدیع انتهى انشاءالله در کلّ احیان از کلمات الهی اخذ نمایند آنچه را که سبب حیوة و بقا است انّ الخادم یحبّ ان یذکر من اقبل الی الله و فاز بعرفانه و خضع لسلطانه و نطق بثنائه اینکه مرقوم فرموده بودند بنیابت آن محبوب بزیارت فائز شوم دو ساعت از شب سه شنبه ۲۵ ربیع الأولی قصد محضر مالک الوری نموده و بعد از حضور و اذن زیارت و طواف بعمل آمد و الحمد لله بطراز قبول فائز شد هنیئاً لحضرتک

ولی اینکه ذکر ارض کاف و جناب نواب علیه بهاء الله و جناب حاجی سیّد محمّد و جنابان آقا سیّد نصرالله و آقا سیّد هاشم علیهم بهاء الله فرموده بودند این باصغاء مالک اسماء فائز و نسبت بهر یک تجلیات آفتاب عنایت مشرق و لائح چندی قبل خدمت جناب نو و تفصیلی این عبد نوشته ارسال داشت و هم‌چنین لوح امنع اقدس مخصوص ایشان ارسال شد و هم‌چنین مخصوص جناب حاجی سیّد محمّد و سایر دوستان بهمراهی جناب شیخ س علیه بهاء الله الواح بدیعه منیعه ارسال شد این خادم فانی از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل است که کل را بشأنی مؤیّد فرماید که اشیاء متلوّنه این دوروزه دنیا از مالک اسماء منع ننماید موفّق شوند بآنچه که سزاوار است و مؤیّد گردند بآنچه که بطراز بقا مزین است و هم‌چنین دستخطّ دیگر آن محبوب که بتاريخ ۲۷ ذی‌الحجّة الحرام مرقوم فی‌الحقیقه دریاق بود از برای این خادم علیل چه که مزین و معطر بود بعرف خلوص آن محبوب لله الفرد العزیز الودود

و اینکه ذکر مراجعت بارض قمص و هم‌چنین ملاقات با جناب حاجی سیّد ابرهیم علیه بهاء الله فرموده بودند ذکر ایشان در ساحت امنع اقدس عرض شد یک لوح مخصوص ایشان از سماء عنایت نازل و هم‌چنین مکتوب این عبد جناب آقا میر عبدالرحیم علیه بهاء الله و مخصوص ایشانهم در مکتوب این عبد لوح امنع اقدس نازل و هم‌چنین مخصوص نفوس مذکوره در مکتوب ایشان فرداً فرداً از افق سماء فضل الواح بدیعه منیعه ممتنعه اشراق نمود انشاءالله بآن فائز شوند و هم‌چنین مخصوص جناب ملا غلام رضا علیه بهاء الله از ارض جاسب و نفوس مذکوره در مکتوب ایشان که باین عبد نوشته بودند و هم‌چنین مخصوص جناب شیخ حسن علیه بهاء الله و نفوس مذکوره در مکتوب ایشان الحمد لله در باره جمیع اسامی مذکوره در پاکتهای آن محبوب اظهار فضل و عنایت کبری از مشرق رحمت مالک اسماء مشهود و لائح آن محبوب ملاحظه فرمایند و بعد

از اخذ صورت اصل را ارسال دارند نزد جناب حاجی سید ابرهیم علیه بهاء الله و ایشان بعد از ملاحظه بصاحبانش یعنی نفوس مذکوره برسانند

و اینکه در ذکر حقوق مرقوم داشته بودند بیع املاک حسب الأمر جایز نه نفوسی که حقوق بر ایشان تعلق گرفته در صورت استطاعت بادای آن فائز شوند فرمودند املاک را بخود آن نفوس واگذاشتیم لهم ان يتصرفوا فيها كيف يشاؤون انتهى خیر اعمال حسنه بخود نفوس عامله راجع است مخصوص نفوسی که بادای حقوق الله موفق گردد این امری است که باید بکمال اعزاز جاری شود هر نفسی اقبال نماید و بکمال میل و رضا ادا کند امنا از او بپذیرند و الا انه غتی عن العالمین

این کلمه علیا از قلم اعلی مخصوص ابوالحسن اردکانی صادر از جمیع دنیا بگذرید و از یک ذره اعزاز امر الله نگذردید انتهى طوبی از برای نفوسی که فی الحقیقه الیوم بخدمتی قیام نموده اند و بما ینبغی مؤید گشته اند

و اینکه در باره مبّغین مرقوم داشتند در ساحت اقدس مقبول افتاد فی الحقیقه باید هر نفسی که بر این امر خطیر اعظم قیام نماید بجمیع صفات ظاهره و باطنه مزین باشد و بقدر کفاف با او باشد و در هر ارض که وارد شود عرف انقطاع از او متضوع گردد فی الحقیقه آن محبوب در این مقام بیان مرغوبی فرموده اند انشاء الله آن محبوب در جمیع احوال مؤید و موفق باشند بر اموراتی که سبب اعزاز امر الله است فرمودند زاد مبّغین دو قسم است و هر دو لازم الأول التوکل علی الله و الثانی باید آنچه از حقوق الله حاصل بعضی بایشان یعنی بمبّغین داده شود انتهى و از سنین قبل در شرایط مبّغین از قلم اعلی نازل شده آنچه کافی است فی الحقیقه این امر بسیار عظیم است طوبی لمن فاز به انه ممن نصر الله ربه بکمال ما یمکن فی الابداع انشاء الله نفوس متموله باثروت موفق شوند بر ادای حقوق تا این امورات بکمال روح و ریحان در ارض جاری شود لو عرفوا لأنفقوا ارواحهم و ما عندهم فی سبیل الله و دیگر خود آن محبوب در اخذ حقوق مأذونند الحمد لله تجلیات آفتاب عنایت آن جناب را اخذ نموده له الحمد فی کلّ الأحوال و هو العطوف الکریم و قرار آن محبوب در امر حقوق فی الحقیقه درست و محکم بود و لکن چون این فقره معلق بعمل نفوس کثیره است در مدن و قری البته انتشار یابد و انتشار آن سبب ضوضای غافلین و جاهلین گردد لذا باید به ما حکم به الله عمل نمود و در باره دو واحد در حقوق که ذکر فرموده بودند حسب الأمر عدد اسم اعظم خود جناب حاجی سید ابرهیم تصرف نمایند و در اعیاد صرف کنند و یا فقرا بدهند هر دو لدى الوجه محبوب است و مابقی بآن محبوب یا بجناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهاء الله میرسد

اینکه ذکر جناب آقا محمد هاشم و سه نفس دیگر که برحیق ایمان فائز شدند مرقوم داشتند تلقاء وجه عرض شد هذا ما نزل فی الجواب من ملکوت الله مالک المآب قوله عزّ کبريائه

هو الأقدس الأعظم الأبهي

یا هاشم قد ذکرک من قام علی خدمتی و اقتصر اموره علی نصره امری نذکرک فضلاً من لدنا و انا الفضال الکریم طوبی لبیت فیه ارتفع ذکرى و لعبد تزین بطراز حبیبی العزیز البدیع ان احمد الله بما آتدک علی عرفانه و هداک الی صراطه المستقیم لک ان تشکر الله فی کلّ الأحيان ان ربک لهو السامع المجیب

و نذکر محمد الذى اقبل الی الأفق الأعلى و فاز بهذا الأمر الذى اعرض عنه من علی الأرض الا من شاء الله ربّ العالمین یا محمد ان اسمع التّداء من شطر السّجن و قل لک الحمد یا الهی بما عرفتنی و شربتنی کوثر البیان من ایدى العطاء اشهد ان فضلک سبق العالم لا اله الا انت الغفور الرّحیم

و نذکر امه الله التی اقبلت و ارادت ان تشرب کوثر البیان فی ایام ربّها الرّحمن طوبی لکلّ امه فازت بهذا المقام الکریم و نذکر امه اخرى و نبشّرها بفضلی و عنایتی و نامرها و امائی بالاستقامه علی الأمر و العمل بما ینبغی لایام الله الفرد الواحد

الخبير انتهى

استدعای جناب آقا محمد هاشم تلقاء وجه عرض شد لسان عنایت باین کلمه مبارکه ناطق نسال الله تعالى بان يقدر لها ما ينفعها في الآخرة و الأولى انه يعلم ما عنده و هو الشاهد السامع العليم انتهى

و اینکه مرقوم داشتند که جناب آقا محمد هاشم از اهل ص بیت خود را اراده نموده‌اند باسم حق فائز شود و محل عبور و مرور احبّاء الله واقع گردد این مراتب عرض شد هذا ما نطق به لسان مقصودنا و مقصود من في السموات و الأرض قوله عزّ اجلاله یا اسد عليك بهائی انا قبلنا ما كتبه بشر من قبلي من سمى بمحمد قبل هاشم ليشكر الله ربّه بهذا الفضل العظيم طوبى از برای نفوسی که مقام يوم الهی را ادراک نمودند و بفیوضات حضرت فیاض فائز گشتند جمیع انبیا و مرسلین لقای این یوم را از حقّ جلّ جلاله آمل و سائل بودند و این امر در جمیع کتب و صحف الهی مذکور و مسطور است مع ذلك فائز نشد مگر اهل سفینه حمرا که از قلم اعلى در قیوم اسماء ذکر آن نازل انشاء الله بتأییدات حضرت مقصود نفوسی که بضغینه و بغضا آلوده نشده‌اند نفحات وحی را ادراک نمایند و بآنچه مقصود است فائز شوند کبر من قبل احبّائی فی المدن و الدیار و بشرهم بفضل الله و عنایته و رحمته الّتی احاطت الملك و الملكوت انتهى

یا محبوب فؤادی نفوسی که نفحات محبت محبوب عالمیان در ایشان ساطع و متضوّع است فی الحقیقه عدل و مثل و شبه نداشته و ندارد و این خادم فانی لازال ذکر ایشان را دوست داشته و دارد بشأنی که اگر جمیع ایام و لیالی بذكر ایشان مشغول شود مع ذلك اقلّ از ذرّ بنظر میآید از حقّ جلّ جلاله این خادم فانی سائل است که مقامات لا مثل لها از برای ایشان مقدر فرماید انه لهو الغفور الرحيم

و اینکه ذکر جناب محمد حسین ابن مرفوع آقا محمد باقر علیهما بهاء الله فرمودید این فقره در ساحت امنع اقدس عرض شد قوله جلّ و عزّ

هو الشاهد الناطق العليم

یا محمد قبل حسین امروز روز اقبال و توجه و ذکر و ثنا و خدمت است انشاء الله از نسائم ربیع بهار الهی تازه و خرم باشی و بذكر محبوب عالمیان ناطق قسم بافتاب افق ظهور یک ذکر الیوم اعزّ است عند الله از ذکر خلق کثیر که در غیر این ایام واقع شود تمسک بحبل عنایة ربک و توکل علیه انه یؤید من یشاء امراً من لدنه و هو الفضل الکریم از حقّ جلّ جلاله بطلب تا تو و اهل آن ارض را از نعیق ناعقین و ضوضاء کاذبین و خادعین حفظ فرماید انه هو المقتدر العليم الحکیم انا نکبر من هذا المقام عليك و على احبّائی الّذین اجابوا اذ سمعوا ندائی العزیز البدیع انتهى

الحمد لله هر نفسی که از قلم آن محبوب ذکرش جاری شد بعنایت حقّ جلّ جلاله فائز گشت انشاء الله قدر این مقام اعزّ اعلى را بدانید و باسم محبوب امکان حفظش نمائید اکثر امور الیوم مستور است یا لیت وجدت نفحات الاذن و ذکرک لأولیاء الله ما قدر لهم من لدی الله ربنا و ربکم و رب من فی السموات و الارضین

اینکه در باره جناب حاجی میرزا حیدر علی علیه بهاء الله مرقوم داشتند که بحکم مشاورت قرار شد در ارض ک بمانند و در هر چندی باطرف آن عبور نمایند و ناس را بامر الهی متذکر دارند این فقره لدی الوجه مقبول افتاد انشاء الله باین خدمت اعظم فائز شوند و به ما اراده الله عامل و در جمیع احوال باید بحکمت ناظر باشند اگرچه الحمد لله خدمات ایشان بمثابه آفتاب روشن است احتیاج بعرض این خادم نبوده و نیست ولكن این عرض نظر بتأکید جمال قدم است یومی از ایام این کلمه علیا از لسان مبارک ظاهر فرمودند مهاجرین لله که مخصوص تبلیغ امر بمدن و دیار توجه مینمایند اگر امام وجوه ناس به بیت یکی از احبّای الهی که معروف است وارد شوند این از حکمت خارج است و از این بیان محبوب امکان اهمیّت حکمت

معلوم و واضح است و هم‌چنین فرمودند باید از برای ایشان از حقوق الهی بقدر احتیاج معین شود و اینکه حال هم بسمت مازندران توجّه نموده‌اند آنهم لدی اللّٰه مقبول است انشاءالله نفوسی مخصوص این خدمت بزرگ مبعوث شوند و بکمال زهد و ورع و تقوی بمدن و دیار توجّه نمایند که شاید عظام رمیمه از رشحات بحر بیان الهی زنده شوند تا کل بطراز انا لله و انا الیه راجعون مزین گردند

و دستخطّ چهارم آن حضرت که بتاريخ ۶ محرم الحرام سنه ۱۲۹۹ مرقوم شده بود غم برد و بهجت آورد لله الحمد فی کلّ الأحوال و بعد از قرائت و اطلاع قصد اعلى المقام نموده و در منظر اکبر تلقاء وجه تمام آن عرض شد قوله عزّ اجلاله یا اسد علیک بهائی صریح قلم اعلى در لیالی و ایام قطع نشده انشاءالله خلق عالم باصغاء آن فائز شوند امروز آفتاب حقیقت در جمیع احوال در وسط الزوال مشاهده می‌شود ابصاری که قابل مشاهده باشد بسیار کمیاب انشاءالله آن جناب بکحل حکمت رمد ابصار را رفع نمایند شاید در این ایام که سلطان ایام است محروم نمانند مکرر میگوئیم دوستان الهی را در هر دیار که ملاقات شد از قبل مظلوم تکبیر برسان شاید بنفحات تکبیر الهی فائز شوند و به ما یرتفع الأمر مشغول گردند انتهی مکرر در این دستخطّ آن حضرت هم ذکر حقوق بوده در این فقره آنچه از لسان مبارک اصغا شد عرض شد حقّ جمیع را مؤید فرماید که هر وقت قدرت و قوت ظاهر شد ادا نمایند طوبی للعاملین و طوبی للفائزین

و اینکه در باره جناب اخوی علیه بهاء الله و مراتب اقبال و خلوص و خضوع و خشوع ایشان را مرقوم داشتید سبب و علّت سرور جدید گردید در الواح الهی در باره ایشان نازل شده آنچه که ثمر آن ظاهر شده و میشود و آنچه آن محبوب در این مقام مرقوم داشتند در شبی از شبها این خادم فانی بتفصیل تلقاء وجه عرض نمودم تبسم فرمودند و بعد باین کلمه مبارکه نطق فرمودند قوله عزّ کبریا انشاءالله بتأییدات الهی مؤیدند قد انزلنا له ما لا یعادله شیء انا نکبر من هذا المقام علیه و نبشّره بما اراده الله ربّ العالمین انّ الأمور کلّها فی قبضة قدرته یفعل ما یشاء بسلطانه لا اله الا هو المقتدر القدر انتهی الحمد لله آثار فضل و عنایت و رحمت در باره آن جناب و بستگان ظاهر و هویدا است هم از او میطلبیم ایشان را مؤید فرماید بر آنچه باقی و دائم است و مقدر فرماید از برای ایشان خیر دنیا و آخرت را انه هو القویّ الحکیم این فانی خدمت ایشان تکبیر میرساند انشاءالله بخیر ظاهر و باطن فائزند و از نظر این فانی نرفته و نخواهند رفت

و اینکه در دستخطّ دیگر ذکر خدمت بعضی و عدم قبول اعزازاً لأمر الله مرقوم داشتند در ساحت امین اقدس اعلى عرض شد این کلمه علیاً از لسان مطلع امر ظاهر قوله تعالی لله درّه و درّ من یسمع قوله آنچه نوشته‌اند صحیح و تمام است انتهی

و اینکه در باره جناب ملا غلام رضا علیه بهاء الله از اهل فاران و حکایت اسب مرقوم داشتید فرمودند عمل او لله بوده و عدم قبول آن البتّه سبب و علّت حزن میشد انا نذکره فی هذا الحین و فی هذه الساعه هذا اللیل و فی هذا السجّ و فی هذا المقام الّذی عجز الألسن عن ذکره و الأقلام عن ثنائه و نبشّره بقبول ما عمل فی سبیلی و نذکره کما ذکرناه من قبل و انا الدّاکر العلیم انتهی انشاءالله آن محبوب فائزند بآنچه لدی العرش محبوب است و عاملند بآنچه سبب عزّت امر است

و اینکه مرقوم داشتید که اراده توجّه بارض الف و راء و ص و ن ج و اطراف فرموده‌اند این مراتب بتمامه عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة انشاءالله بمثابه نسیم سحری بر دیار الهی مرور نمایند و جمیع را متذکر دارند که شاید اشجار بستان معنوی باثمار بدیعۀ منیعۀ یعنی اعمال طیبۀ حسنه مزین شوند انتهی

عرض این فانی اینکه اهل خاء یعنی جناب آقا خداداد و آقا عزیزالله علیهما بهاء الله و سایر دوستان الهی ذکر شما را نموده‌اند چنانچه خود آن جناب هم در این باب سبقت گرفته و ذکر اولیا و دوستان ارض خاء را بتفصیل از قبل نوشته‌اند در این ایام بعضی مسألت نموده‌اند که آن جناب بآن سمت توجّه نمایند مخصوص جناب آقا عزیزالله انشاءالله بتأییدات الهی

باراضی مذکوره کُلُّها توجّه نمائید و جمیع را متذکّر دارید عرض دیگر این فانی خدمت محبوبی جناب ملاً علی اکبر علیه بهاء الله مالک القدر عرض خلوص و فنا و نیستی این فانی منوط بعنایت آن محبوب است دستخط ایشان الحمد لله علت فرح و انبساط شد و هم چنین دستخطی که بجناب آقا حسین علیه بهاء الله مرقوم داشته بودند در ساحت اقدس عرض شد کمال عنایت ظاهر و فی الحقیقه سبب تذکّر بعضی واقع گشت کلمه حقّ در هر حال مؤثر است و هم چنین مراسله‌ئی هم بجناب اسم جود علیه بهاء الله الأبهی ارسال داشته بودند آنهم در ساحت اقدس معروض گشت و این عبد باطمینان اینکه در ارض طاء تشریف دارند در ارسال جواب این کرّه تعویق نمود انشاء الله کرّه بعد امید هست این فانی بعرض جواب موفق شود عریضه جناب آقا میرزا صادق ابن جناب آقا میرزا محمود علیهما بهاء الله بساحت اقدس فائز و تلقاء عرش عرض شد هذا ما نزل من ملکوت بیان ربنا الرحمن قوله تعالی

هو الناطق من افقه الأبهی

یا صادق قد حضر کتابک و سمعنا منه ندائک وجدنا عرف حبّک طوبی لأیک و امّک و لمن رزقه الله ذریه طیبه نطقت بثناء المحبوب و قامت علی خدمه امره المبرم الحکیم ان افرح بما اجبتک الی الله رب العالمین انا ذکرنا اباک و اخته من قبل بآیات لا یعاد لها شیء من الأشياء ان ربک لهو الناطق العالم الخبیر و ارسلناه مع السلمان الّذی دار البلاد بألواح ربّه المقتدر القدير البهاء علیک و علی من کتب کتابک (کمال الدین) و علی من اقبل الی الأفق الأعلى المقام الّذی فیہ ینطق لسان العظمة الملك لله مالک هذا اليوم البدیع

و نذکر من سمی بصیر الله الّذی ذکرنی و انا الذّاکر العلیم قل ایّاک ان تمنعک شؤونات العالم عن مالک القدم دعها و خذ ما امرت به من لدن عزیز حکیم قد سمعنا ندائک اجبتک و اقبلنا الیک من هذا المقام البعید البهاء علیک و علی الذّین ذکرت اسمائهم فی کتاب من سمی بصادق الّذی توجّه الی وجه ربّه العزیز الحمید ان افرحوا یا احبّائی انه اتی ببحر الفضل و غفر الذّین ارادوا الغفران انه لهو الغفار الفضّال العطوف الکریم انتهى

انشاء الله نفوس مذکوره بآیات بدیعه فائز شوند الحمد لله ذکرشان در مقام لیس کمله شیء معروض گشت و نسبت بهر یک شمس بخشش حقّ جلّ جلاله مشرق

عرض دیگر این فانی آنکه محبوب فؤاد ابن جناب اسم الله الأصدق علیهما بهاء الله و عنایته دو دستخط باین عبد ارسال داشته‌اند جواب دستخط اول عرض شد و اراده بود که این کرّه ارسال شود بعد دستخط ثانی رسید این عبد فانی اراده نمود که جواب آن را هم عرض نماید و یکمرتبه ارسال دارد و دستخط ثانی وقتی رسید که پوسته عازم بود و وقت غیر موجود عرض فنا و نیستی خدمت ایشان بسته بمرحمت آن محبوب است انشاء الله در خدمت محبوب عالمیان بمثابة برق متحرک و منیر باشند و بمثابة شریان در هیکل عالم نباض الأمر لله المقتدر العزیز الفیاض مکتوب آخر رسید و افسردگی دست داد چه که حقّ شاهد حال است زمانی که بذکر آقایان یعنی نفوس قائمه بر امر الله مشغولم حرارت محبت ارکان را اخذ مینماید بکمال شوق و شغف و شغف عرض میشود و قریب بانتهای حزن دست میدهد یسأل الله الخادم الفرح و الفرج و السرور لحضرتک و لمن فاز بخدمه الأمر فی ایام الله رب العالمین استدعا اینکه در هر دیار که وارد میشوید سلام و تکبیر این فانی را خدمت دوستان الهی برسانند انشاء الله جمیع بکمال اتحاد و اتفاق که فی الحقیقه اکسیر اعظم است از برای هیاکل نحاسیه عالم موفق شوند البهاء علی حضرتکم و علی احبّاء الله و اولیائه فی الأفطار انه لهو السّامع البصّار



---

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳، ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر